

نگاهی به بایسته‌های آماری در سیاست‌گذاری در حوزه ازدواج

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۵۱۵۲

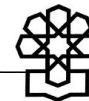
آذرماه ۱۳۹۵

معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی
دفتر: مطالعات فرهنگی

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده.....	۱
مقدمه.....	۱
۱. کاهش ازدواج در کشور، مسئله جمعیتی یا اجتماعی.....	۳
۲. تفاوت‌های جنسیتی و مسئله ازدواج در کشور.....	۱۳
۳. تفاوت‌های منطقه‌ای و مسئله ازدواج در کشور.....	۱۹
جمع‌بندی.....	۲۱
منابع و مأخذ.....	۲۴



نگاهی به بایسته‌های آماری در سیاستگذاری در حوزه ازدواج

چکیده

گزارش پیش‌رو تلاش نموده با رجوع به آمار و داده‌های ثبتي و ارائه تصویری کمی از وضعیت ازدواج در کشور، نشان دهد که مسئله ازدواج به‌عنوان یک بر ساخت اجتماعی تحت تأثیر تعاملی عملکرد ساختارهای نهادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی است.

علاوه بر این بررسی داده‌های ثبتي در حوزه ازدواج نشان از این نکته دارد که تغییر و تحولات حوزه ازدواج در برخی از اقشار و گروه‌های اجتماعی حادث‌تر بوده و این مسئله لزوم توجه به داده‌های آماری را در سیاستگذاری حوزه ازدواج به‌عنوان امری ضروری مطرح می‌نماید. برای مثال بررسی تأثیر جنسیت بر وضعیت ازدواج در کشور نشان می‌دهد که وضعیت مجرد در جامعه زنان (به‌ویژه پس از ۳۵ سالگی) با نگرانی بیشتری همراه است. ازسوی دیگر میانگین سن ازدواج در کشور در جامعه زنان با رشد بیشتری همراه بوده که نشان از اولویت این گروه در سیاستگذاری دارد.

استان‌های کشور نیز به لحاظ وضعیت ازدواج از نرخ یکسانی برخوردار نبوده و در برخی از استان‌ها از جمله تهران، البرز، کرمان و سیستان و بلوچستان با کاهش چشمگیرتر ازدواج روبرو هستیم. وضعیت روستاهای کشور نیز در حوزه ازدواج نگران‌کننده‌تر از شهرهاست.

براین اساس لازمه هرگونه سیاستگذاری جامع و کارآمد در این حوزه، توجه به این تفاوت‌ها و عدم تبعیت از الگوی یکسان در تمامی کشور برای تمامی اقشار در حوزه ازدواج است.

مقدمه

بازنمایی رسانه‌ای وضعیت ازدواج در کشور در چند سال گذشته به‌طور مدام بر بحرانی شدن موضوع ازدواج در کشور تأکید دارد. تأکید بر حضور بیش از ۱۲ میلیون فرد مجرد در سن ازدواج در کشور، کاهش نرخ رشد ازدواج در کشور در کنار رواج الگوهای جدید روابط عاطفی چون هم‌خانگی و ازدواج سفید بخش عمده این بازنمایی را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این مروری بر مصاحبه‌های مسئولین دولتی چون معاون فناوری و اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور، رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های

راهبردی وزارت ورزش و جوانان، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و... همچنین پژوهش‌های بسیاری از پژوهشگران و محققین اجتماعی بر تبدیل ازدواج به مسئله اجتماعی اشاره دارد.^۱

آنچه مسلم است جامعه ایران با تغییرات ساختاری و نگرشی عمیقی نسبت به ازدواج روبرو بوده که نتیجه آن بالا رفتن سن ازدواج و افزایش افراد مجرد است. این تغییر و تحولات از دو بُعد قابل بررسی است:

۱. رجوع به آمار و داده‌های ثبتي و ارائه تصویری کمی از وضعیت ازدواج و تغییرات صورت پذیرفته،

۲. رجوع به تحولات ارزشی صورت گرفته در حوزه ازدواج (شیوه همسرگزینی، ویژگی‌های همسر مناسب، ضرورت ازدواج و...).

نظر به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در فرهنگ ایرانی-اسلامی و تأکید اسناد بالادستی نظام بر لزوم حفظ استحکام خانواده و تلاش‌های متعددی از سوی قانونگذار در سال‌ها اخیر جهت ترغیب جوانان به ازدواج صورت گرفته که بخش عمده آنها معطوف به موضوع وام ازدواج جوانان و ساماندهی آن بوده است.^۲ با این حال این تلاش‌ها به علت عدم شناخت صحیح مسئله، عدم اولویت‌بندی گروه‌های متفاوت اجتماعی در توزیع امکانات و همچنین علت شناسی ناقص و گاه غلط نتوانسته‌اند تأثیری بر وضعیت ازدواج در کشور گذارند.

لازمه هر نوع سیاستگذاری جامع و کارآمد در این حوزه، ارائه تصویری جامع از موضوع و درک صحیح آن است.

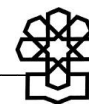
توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات این تغییر و تحولات، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را در فهم بهتر مسئله و برنامه‌ریزی صحیح برای گروه‌ها، اقشار و حوزه‌هایی که اولویت برنامه‌ریزی در آنها مطرح است یاری خواهد رساند.

گزارش حاضر تلاش خواهد کرد با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها در حوزه ازدواج با ایجاد دوگانگی مسئله شناختی پیرامون موضوع و با استناد به آمارهای موجود در گزارش‌های مرکز ملی آمار ایران و

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به مصاحبه‌های صورت گرفته از سوی مسئولین دولتی در سایت‌های زیر:

1. <http://fararu.com/fa/news/148655/>
<http://mehrkhane.com/fa/news/19235/>
<http://mehrkhane.com/fa/news/19193/1>
<http://fararu.com/fa/news/250966/>

و همچنین نتایج تحقیقات زیر:
 محمدامین قانع‌راد و فاطمه عزلتی‌مقدم، بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاستگذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، ش ۱، صص ۱۶۱-۱۹۳.
 کرم حبیب‌پور گنابی و غلامرضا غفاری، علل افزایش سن ازدواج دختران: زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۷-۳۴.
 علی‌اصغر، مهاجرانی، تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ش یازدهم، صص ۴۱-۵۳.
 ۲. طرح تخصیص اعتبارات ویژه برای ازدواج جوانان (تاریخ اعلام وصول ۱۳۹۲/۲/۱۸) و طرح برداشت پانصد میلیون دلار از منابع صندوق توسعه ملی و افزایش سرمایه بانک‌های دولتی و صندوق مهر امام رضا (ع) به منظور پرداخت تسهیلات ازدواج (تاریخ اعلام وصول ۱۳۹۲/۶/۴) از جمله طرح‌های یاد شده هستند که هیچ یک تصویب نگشته‌اند.



سازمان ثبت احوال کشور به برخی ابهامات در این زمینه پاسخ دهد. اینکه روند این تغییر و تحولات در چه حوزه‌های اجتماعی عمیق‌تر بوده و چه گروه‌هایی در این فرآیند درگیر شده‌اند از دیگر عوامل قابل بررسی در این گزارش است.

۱. کاهش ازدواج در کشور، مسئله جمعیتی یا اجتماعی

کاهش نرخ رشد ازدواج در سال‌های اخیر امری غیرقابل انکار است. نگاهی ساده به داده ثبتی نشان می‌دهد تعداد و درصد رشد ازدواج‌ها در کشور که نشان دهنده تحولات این حوزه و سرعت آن است با روند کاهشی از سال ۱۳۸۷ مواجه بوده است.

جدول ۱. فراوانی و درصد تغییرات ثبت ازدواج در کشور طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲

سال	تعداد ازدواج‌ها	درصد تغییرات نسبت به سال قبل
۱۳۵۷	۱۸۴,۳۱۱	۲/۸۶
۱۳۵۸	۳۰۲,۶۶۷	۳۹/۱
۱۳۵۹	۳۳۷,۱۱۹	۱۰/۲۲
۱۳۶۰	۲۹۴,۴۹۹	-۱۴/۴۷
۱۳۶۱	۳۵۳,۹۴۴	۱۶/۸
۱۳۶۲	۴۱۰,۷۹۹	۱۳/۸۴
۱۳۶۳	۳۸۴,۸۷۶	-۶/۷۴
۱۳۶۴	۴۰۸,۲۸۲	۵/۷۳
۱۳۶۵	۳۴۰,۳۴۲	-۱۹/۹۶
۱۳۶۶	۳۴۶,۶۵۶	۱/۸۲
۱۳۶۷	۳۶۲,۰۱۳	۴/۲۴
۱۳۶۸	۴۵۸,۷۰۸	۲۱/۰۸
۱۳۶۹	۴۵۴,۹۶۳	-۰/۸۲
۱۳۷۰	۴۵۲,۶۷۵	-۰/۵۱
۱۳۷۱	۴۲۲,۴۵۷	-۷/۱۵
۱۳۷۲	۴۶۳,۴۸۷	۸/۸۵
۱۳۷۳	۴۵۳,۶۷۱	-۲/۱۶
۱۳۷۴	۴۶۲,۸۵۵	۱/۹۸
۱۳۷۵	۴۷۹,۲۶۳	۳/۴۲
۱۳۷۶	۵۱۱,۴۰۱	۶/۲۸
۱۳۷۷	۵۳۱,۴۹۰	۳/۷۸
۱۳۷۸	۶۱۱,۵۱۹	۱۳/۰۹
۱۳۷۹	۶۴۶,۴۹۸	۵/۴۱
۱۳۸۰	۶۴۱,۹۴۰	-۰/۷۱

سال	تعداد ازدواج‌ها	درصد تغییرات نسبت به سال قبل
۱۳۸۱	۶۵۰،۹۶۰	۱/۳۹
۱۳۸۲	۶۸۱،۰۳۴	۴/۴۲
۱۳۸۳	۷۲۳،۹۷۶	۵/۹۳
۱۳۸۴	۷۸۷،۸۱۸	۸/۱
۱۳۸۵	۷۷۸،۲۹۱	-۱/۲۲
۱۳۸۶	۸۴۱،۱۰۷	۷/۴۷
۱۳۸۷	۸۸۱،۵۹۲	۴/۵۹
۱۳۸۸	۸۹۰،۲۰۸	۰/۹۷
۱۳۸۹	۸۹۱،۶۲۷	۰/۱۶
۱۳۹۰	۸۷۴،۷۹۲	-۱/۹۲
۱۳۹۱	۸۲۹،۹۶۸	-۵/۴
۱۳۹۲	۷۷۴،۵۱۳	-۷/۱۶

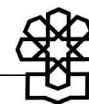
مأخذ: داده‌های پایه برگرفته از سایت سازمان ثبت احوال کل کشور.

بدین ترتیب اگرچه درخصوص کاهش نرخ ازدواج به‌ویژه در سال‌های اخیر با توجه به داده‌های موجود، تردیدی وجود ندارد، اما تحلیل‌های متفاوتی از این مسئله و نگران‌کننده بودن یا نبودن آن ازسوی نظریه‌پردازان ارائه می‌گردد. برخی پژوهشگران کاهش نرخ ازدواج در کشور را پدیده‌ای جمعیتی دانسته و با ارتباط دادن آن به نسبت جمعیت جوان و آماده ازدواج در کشور این روند را طبیعی می‌دانند. به عبارت دیگر براساس این رویکرد در شرایطی که جمعیت جوان کشور به واسطه کاهش باروری نسل‌های گذشته رو به کاهش است، طبیعی است که با کاهش نرخ ازدواج در کشور مواجه باشیم.

برای مثال شهلا کاظمی پور - استاد جمعیت‌شناسی - در مصاحبه‌ای که اخیراً از او به چاپ رسیده این روند را طبیعی قلمداد کرده است:

«بسیاری می‌گویند تعداد ازدواج در ایران رو به کاهش است، پس دچار مشکل هستیم و جوانان تمایلی به ازدواج ندارند؛ در صورتی که این استنباط، استنباط نادرستی است. به دلیل اینکه: اولاً میزان ازدواج بالا رفته است؛ یعنی تعداد ازدواج‌هایی که در مقابل هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت کشور اتفاق می‌افتد، در حد بالایی (حدود ۱۶ در هزار) قرار دارد.

ثانیاً در تحلیل چرایی کاهش تعداد ازدواج‌ها باید گفت تعداد جوانان در معرض ازدواج کاهش یافته است. باروری کشور در دهه ۱۳۶۰ بالا بود، جوانان دهه ۱۳۶۰ که در دهه ۱۳۸۰ به سن ازدواج رسیدند، به تبع آن تعداد ازدواج‌ها نیز افزایش پیدا کرد، اما الان متولدین دهه ۱۳۷۰ به سن ازدواج رسیده‌اند و باروری هم در دهه ۱۳۷۰ کاهش داشته است؛ لذا جمعیت در معرض ازدواج رو به کاهش



است و به تبع تعداد ازدواج‌ها هم کاهش خواهد یافت. بنابراین با مشکلی به نام کاهش میزان ازدواج یا کاهش ازدواج مواجه نیستیم»^۱.

او در مصاحبه دیگری اجتماعی بودن وضعیت ازدواج در کشور را رد نموده و آن را صرفاً یک مسئله جمعیتی می‌داند. «طبق محاسبه من دختران ۱۵ سال به بالای مجرد هرگز ازدواج نکرده در سال ۱۳۸۵ حدود ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بوده و در سال ۱۳۹۰ به ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر رسیده‌اند. به تبع وقتی جمعیت در معرض ازدواج کم می‌شود، تعداد ازدواج‌ها نیز کم خواهد شد؛ بنابراین این موضوع یک مسئله اجتماعی نیست و مسئله‌ای به‌عنوان مسئله کاهش ازدواج نداریم»^۲.

در مقابل برخی دیگر از پژوهشگران و کارشناسان نیز با تأکید بر تغییرات نگرشی صورت گرفته در حوزه ازدواج، کاهش نرخ ازدواج در کشور را پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی دانسته و از عدم تمایل جوانان به ازدواج و تأثیر فرآیند نوسازی بر تغییر نگرش‌ها در این حوزه سخن می‌گویند. در این دیدگاه کاهش نرخ ازدواج در کشور به‌عنوان نشانه‌ای از تغییرات ساختاری و نگرشی در جامعه فهم می‌گردد. علاوه بر این در این رویکرد تحولات صورت گرفته در حوزه ازدواج به‌عنوان روندی طبیعی فهم نمی‌گردد، بلکه به‌عنوان مسئله اجتماعی یعنی شرایط مشکل‌زایی که موجب نگرانی عمومی است نگرسته می‌شود.

برای فهم بهتر این مسئله و سنجش تأثیر جمعیت کل و جمعیت جوان بر موضوع ازدواج (به‌عبارت بهتر سنجش جمعیتی یا اجتماعی - فرهنگی مسئله کاهش نرخ ازدواج)، در ادامه تلاش شده با احصای جمعیت جوان، نرخ ازدواج در کشور به تناسب جمعیت کل و همچنین جمعیت جوان محاسبه گردد.

جدول ۲. بررسی وضعیت ازدواج در کشور با توجه به جمعیت کل کشور و جمعیت جوان

سال	تعداد ازدواج	جمعیت کشور	جمعیت جوان	نرخ ازدواج‌ها به کل کشور نرخ در هزار*	نرخ ازدواج‌ها به جمعیت جوان نرخ در هزار
۱۳۶۵	۳۴۰،۳۴۲	۴۹،۴۴۵،۰۱۰	۱۳،۰۳۸،۲۲۳	۶/۸۸	۲۶/۱۰
۱۳۷۵	۴۷۹،۲۶۳	۶۰،۰۵۵،۴۸۸	۱۷،۰۴۶،۶۸۳	۷/۹۸	۲۸/۱۱
۱۳۸۵	۷۷۸،۲۹۱	۷۰،۴۹۵،۷۸۲	۲۴،۹۶۳،۱۳۵	۱۱/۰۴	۳۱/۱۸
۱۳۹۰	۸۷۴،۷۹۲	۷۵،۱۴۹،۶۶۹	۲۳،۶۹۴،۱۹۴	۱۱/۶۴	۳۶/۹۲
۱۳۹۱	۸۲۹،۹۶۸	-	-	۱۰/۹	-
۱۳۹۲	۷۷۴،۵۱۳	۷۸،۶۶۶،۵۱۳	-	۱۰/۱	-

مأخذ: همان.

* آمار نرخ در هزار سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ از خلاصه آماری ثبت وقایع حیاتی در کشور در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ منتشر شده از سوی معاونت فناوری اطلاعات و آمار جمعیتی سازمان ثبت احوال استخراج شده است.

1. <http://mehrkhane.com/fa/news/21308/>

2. <http://mehrkhane.com/fa/news/12056/>

همان‌طور که ملاحظه می‌شود آمار ازدواج در کشور در هر هزار نفر جمعیت، از سال ۱۳۹۰ به بعد روند کاهشی را طی کرده است. به نحوی که در سال ۱۳۹۰ به‌طور تقریبی از هر هزار نفر ۱۲ نفر در کشور ازدواج می‌کردند، اما این آمار در سال ۱۳۹۲ به ۱۰ نفر از هر هزار نفر کاهش یافته است. بدین ترتیب با ثابت نگه داشتن جمعیت به نسبت هزار، شاهد کاهش نرخ ازدواج هستیم.

در خصوص آمار ازدواج نسبت به جمعیت جوان کشور با توجه به عدم امکان دسترسی به تعداد جمعیت جوان در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ (به دلیل وابسته بودن احصای این آمار به سرشماری‌های نفوس و مسکن)، امکان مقایسه سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ با ۱۳۹۰ وجود ندارد، با این حال توجه به این نکته ضروری است که اگرچه آمار جمعیت جوان کشور در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در دسترس نیست اما با توجه به عدم تغییر ناگهانی در جمعیت جوان کشور طی دو سال و نظر به اینکه تعداد ازدواج‌ها در طول این سال‌ها کاهش یافته به‌نظر می‌رسد هرچه پیش‌تر رویم باید از نرخ ازدواج به جمعیت جوان در طول سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۱ در مقایسه با سال ۱۳۹۰ کاسته شود. به‌ویژه آنکه با توجه به کاهش جمعیت جوان کشور در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال ۱۳۸۵ و انتظار تداوم این روند در سنوات اخیر به‌نظر می‌رسد هر چه جمعیت جوان کشور کاهش یابد باید از تعداد ازدواج‌ها نیز کاسته شود.

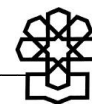
با توجه به داده‌های فوق نمی‌توان نقش عوامل جمعیتی و کاهش جمعیت جوان را در کاهش نرخ ازدواج نادیده گرفت. اما آیا به راستی کاهش نرخ ازدواج در کشور یک مسئله صرفاً جمعیتی است؟ سنجش تأثیر تغییرات اجتماعی - فرهنگی بر واقعه ازدواج در کشور به ویژه از بُعد کمی بسیار دشوار است با این حال تحقیقات متعددی در کشور صورت گرفته که بر این مسئله اذعان دارد.

خانواده ایرانی به‌واسطه فرآیند نوسازی، گسترش ابزارهای نوین ارتباطی و تحولات تکنولوژیکی و روبرو شدن با فرهنگ و ارزش‌های سایر جوامع با تغییرات گسترده ارزشی و هنجاری مواجه شده است. فرآیند نوسازی با ایجاد تغییرات ساختاری و اجتماعی در جامعه ایرانی مانند گسترش شهرنشینی، کاهش نفوذ نظام خویشاوندی، گسترش سطح تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و واگذاری بسیاری از کارکردهای نهاد خانواده به سایر نهادها منجر به تغییرات گسترده در رفتار خانوارهای ایرانی و الگوی ازدواج شده است.^۱ «کالول»^۲ معتقد است که الگوی ازدواج در هر جامعه بازتاب بافت فرهنگی و تغییرات اقتصادی و اجتماعی آن جامعه است.^۳

۱. محمدامین قانع‌راد و فاطمه عزلتی‌مقدم، بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، ش ۱، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۶۷-۱۶۸ و موسی طیبی‌نیا، میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن، فصلنامه مطالعات جمعیت شناختی جوانان، سال پنجم، ش ۱۶، زمستان ۱۳۹۳، ص ۶۷.

2. Caldwell

۳. کریم حبیب‌پورگنابی و غلامرضا عفری، علل افزایش سن ازدواج دختران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۱، بهار ۱۳۹۰.



هرچه میزان این تغییرات سریع‌تر و از عمق بیشتری برخوردار باشد تأخیر ازدواج نیز بیشتر خواهد بود. ساختار ناپهنجار و آشفته اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز از جمله عواملی است که به سهم خود در تغییرات حوزه ازدواج مؤثر است. در ادبیات نظری افرادی چون مین^۱ به بررسی تأثیر آشفته‌گی‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه بر موضوع ازدواج پرداخته‌اند. برای مثال نمی‌توان تأثیر مشکلات اقتصادی را در سختگیری بیشتر والدین در مورد لزوم ثبات شغلی خواستگار دختران و همچنین تأثیر این مسئله بر افزایش میزان مهریه نادیده گرفت.

یکی از مهمترین شاخص‌های اجتماعی که بسیاری از جامعه‌شناسان بر تأثیرگذاری آن بر فرآیند ازدواج معتقدند ارتقای وضعیت تحصیلات و اشتغال افراد جامعه به‌ویژه زنان است. در حال حاضر موقعیت درآمدی مردان جوان خصوصاً در جوامعی چون جامعه ما که نقش اقتصادی شوهر به‌عنوان نان‌آور خانواده همچنان مهم است، در تصمیم و سن ازدواج بسیار مؤثر است. در نظرسنجی که از سوی مرکز افکارسنجی ایسپا در سال ۱۳۹۲ در خصوص بررسی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده صورت گرفته، ۴۰ درصد از پاسخگویان مرد، نداشتن شغل را مانع اصلی ازدواج مطرح کرده‌اند. بالا بودن هزینه‌های زندگی نیز دلیل بعدی پاسخگویان مرد جهت عدم ازدواج است.^۲ بدین ترتیب نمی‌توان از تأثیر اشتغال به‌عنوان واقعیتی عینی بر تمایل به ازدواج غافل بود.

علاوه بر این گسترش تحصیلات عمومی و فراهم شدن امکان حضور در فعالیتهای بیرون از خانه برای زنان، انتظار از روابط زناشویی و ازدواج و نحوه انتخاب همسر را تحت تأثیر قرار داده به نحوی که بهبود موقعیت زنان با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری و کاهش باروری همراه است.

«انگلند، فاركاس و اوپنهايمر^۳ در نظریه مشهور خود به نام سرمایه انسانی به فرمول‌بندی تأثیر تحصیلات بر دیررسی و دیرکرد پذیرش ازدواج از سوی دختران پرداختند. آنها در این نظریه ادعان داشته‌اند که با ظهور پیامدهای مدرنیته مانند گسترش صنعتی شدن، شهرنشینی و خصوصاً افزایش سطح تحصیلات دختران باید شاهد افزایش سن ازدواج در کشورهایی باشیم که این قبیل شاخصه‌ها را تجربه می‌کنند. مک دونالد و هیوول^۴ نیز به عامل آزادی و نقش تحصیلات در فراهم آوردن شرایط این آزادی معتقد بوده و ادعان می‌دارند که افزایش تحصیلات دختران باعث استقلال فکری و آزادی هرچه بیشتر آنها از اطرافیان به خصوص والدین شده و در نتیجه کسب چنین آزادی و به‌عبارتی حرکت از ازدواج ترتیب داده شده به ازدواج خود انتخابی، ازدواج را براساس معیارهای شخصی تعریف کرده و آن

1. Minh

۲. بررسی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، مرداد ۱۳۹۲.

3. England, Farkas and Oppenheimer

4. Mc Donald and Hull

را به تأخیر می‌اندازند. به اعتقاد منش^۱ والدین دخترانی که تحصیلات بالاتر دارند نیز ممکن است براساس یک نوع عقلانیت قوی مبنی بر اینکه تعویق ازدواج برای دختران به خاطر افزایش پتانسیل کسب درآمد امری عقلانی است، عمل کنند»^۲.

جامعه ایرانی نیز از تحولات یاد شده دور نبوده است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد ۲۱ میلیون خانوار ایرانی در کشور وجود دارد که ۷۲/۸۲ درصد آن در نقاط شهری و تنها ۲۷/۱۲ آن در مناطق روستایی ساکن هستند. این در حالی است که نسبت شهرنشینی در سال ۱۳۶۵ حدود ۵۴/۳ درصد بوده است. بدین ترتیب شهرنشینی پدیده غالب و فراگیر در جامعه است. گسترش شهرنشینی تغییراتی را در جامعه ایرانی پدید آورده که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. برای مثال بررسی داده‌های آماری نشان می‌دهد مهاجرت گسترده جوانان به شهرها به بهانه یافتن شغل مناسب‌تر، تحصیلات بیشتر و... منجر به کاهش تعداد جمعیت جوانان روستایی و کاهش تعداد ازدواج‌ها در این مناطق شده است.

جدول ۳. ثبت ازدواج در کشور به تفکیک شهر و روستا از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲

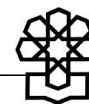
تعداد ازدواج‌ها به تفکیک شهر و روستا				
سال	نقاط شهری	درصد تغییرات	نقاط روستایی	درصد تغییرات
۱۳۵۷	۱۱۶,۱۹۷	-	۶۸,۱۱۵	-
۱۳۶۵	۲۲۵,۰۱۱	۹۳/۶۵	۱۱۵,۳۳۱	۶۹/۳۲
۱۳۷۵	۳۵۷,۱۳۸	۵۸/۷۲	۱۲۲,۱۲۵	۵/۸۹
۱۳۸۵	۵۵۶,۶۵۸	۵۵/۸۷	۲۲۱,۳۶۵	۸۱/۲۶
۱۳۹۰	۶۳۱,۴۵۷	۱۳/۴۴	۲۴۳,۳۳۵	۹/۹۲
۱۳۹۱	۶۷۸,۸۷۰	۷/۵۱	۱۵۱,۰۹۸	-۳۷/۹۱
۱۳۹۲	۶۶۴,۱۳۳	-۲/۱۷	۱۱۰,۳۸۰	-۲۶/۹۵

مأخذ: همان.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود اگرچه الگوی رشد ازدواج در شهرها و روستاهای کشور به‌طور نسبی از الگوی مشابهی تبعیت می‌کند، با وجود این نکته حائز اهمیت کاهش قابل ملاحظه ازدواج‌های ثبت شده در روستاها از سال ۱۳۹۰ تاکنون است؛ به نحوی که در سال ۱۳۹۲ شاهد کاهش ۲۶ درصدی ازدواج در روستاها نسبت به سال گذشته هستیم. این در حالی است که در همین سال کاهش نرخ رشد ازدواج در شهرها ۲ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۱ نیز ازدواج‌های روستایی با ۳۷ کاهش مواجه شده این در حالی است که در همین سال ازدواج‌های شهری با ۷ درصد رشد مثبت همراه بوده

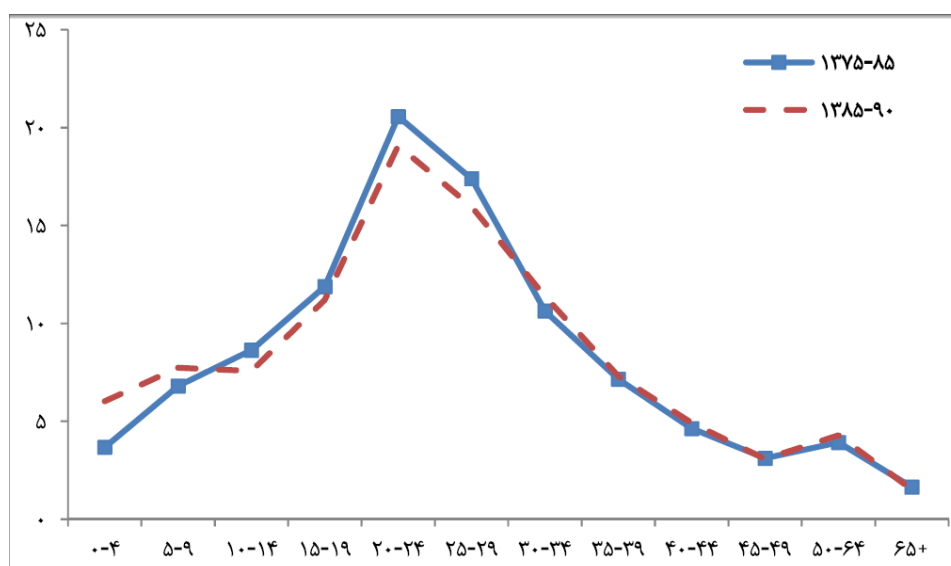
1. Mensch

۲. کرم حبیب‌پورگنابی و غلامرضا عفراری، علل افزایش سن ازدواج دختران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۳۹.



است. به نظر می‌رسد بخشی از این مسئله به موضوع رشد شهرنشینی در ایران و مهاجرت جوانان از روستا به شهر برای کار یا تحصیل بازگردد. در نمودار زیر تلاش شده میزان مهاجرت به شهرها براساس ساختار سنی ترسیم گردد.

نمودار ۱. بررسی ساختار سنی مهاجران از ۱۳۷۵-۱۳۹۰



مأخذ: بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی جوانان در ایران، پژوهشکده آمار، ۱۳۹۲، ص ۱۲.

همان‌طور که نمودار فوق نشان می‌دهد، بخش عمده مهاجرت از روستا به شهر در طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ و ۱۳۸۵-۱۳۹۰ به ترتیب در گروه سنی ۲۰-۲۴، ۲۵-۲۹ و ۱۵-۱۹ سال (سنین جوانی) رخ داده است. در شرایطی که عمده جوانان ساکن در روستا به دلایل مختلف از جمله اشتغال یا تحصیل به ترک روستا اقدام می‌کنند کاهش نرخ ازدواج در روستا قابل درک است.

علاوه بر این همان‌طور که اشاره شد گسترش سطح تحصیلات تغییراتی را در فرآیند ازدواج جوانان پدید آورده است. براساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر نرخ باسوادی مردان به ترتیب ۵۸/۹، ۷۱/۰، ۸۴/۷، ۸۸/۷ و ۸۸/۴ درصد و میزان باسوادی زنان به ترتیب ۳۵/۵، ۵۲/۱، ۷۴/۲، ۸۰/۳ و ۸۱/۱ درصد بوه است. علاوه بر این گسترش سطح تحصیلات تکمیلی نیز از تغییرات دیگری است رفتارهای جامعه را با تغییر روبرو ساخته است. برای مثال در سال ۱۳۹۱ حدود ۶۰ درصد پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری ورود به دانشگاه را دختران تشکیل می‌دادند.

بررسی رابطه سطح تحصیلات و اشتغال بر ازدواج براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد (جدول ۵) بین این متغیرهای یاد شده و موضوع ازدواج همبستگی وجود دارد. بر این اساس

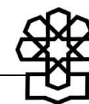
افزایش سطح تحصیلات منجر به تأخیر در ازدواج می‌شود بدین معنی که با افزایش سطوح تحصیلی نسبت‌های ازدواجی کاهش می‌یابد. این وضعیت در مردان و زنان قابل پیگیری است. علاوه بر این وضعیت اشتغال نیز رابطه نزدیکی با ازدواج دارد. بررسی رابطه اشتغال و ازدواج نشان می‌دهد مردان شاغل در مقایسه با افراد غیرشاغل (محصل و بیکار) از نسبت‌های ازدواجی بالاتری برخوردارند. با وجود این رابطه همبستگی بین اشتغال و ازدواج در جامعه زنان نشان می‌دهد، این نسبت برای زنان معکوس بوده و نسبت ازدواج زنان غیرشاغل در هر سه گروه سنی بیشتر از زنان شاغل است. یکی از علل این امر همان طور که ذکر شد اهمیت اشتغال و داشتن درآمد برای مردان جهت ازدواج در فرهنگ ایرانی و تأثیر استقلال اقتصادی زنان بر تغییر نگرش نسبت به ضرورت ازدواج می‌باشد.

جدول ۴. بررسی مشخصه‌های اجتماعی اقتصادی بر وضعیت ازدواجی جوانان، ۱۳۹۰

نسبت افراد ازدواج کرده (درصد)						مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی	
ساله ۲۹-۲۵		ساله ۲۴-۲۰		ساله ۱۹-۱۵			
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد		
۷۴/۴	۶۷/۰	۵۹/۶	۲۸/۴	۲۸/۶	۳/۱	روستا	محل سکونت
۷۳/۹	۵۷/۲	۵۲/۳	۲۰/۶	۱۸/۶	۱/۸	شهر	
ns	***	***	***	***	***	تفاوت آماری	
۷۷/۵	۶۲/۴	۶۶/۳	۲۸/۵	۴۲/۱	۴/۶	بلی	اشتغال به تحصیل
۴۱/۲	۳۷/۰	۲۲/۷	۷/۰	۶/۱	۰/۸	خیر	
***	***	***	***	***	***	تفاوت آماری	
۷۴/۰	۶۴/۹	۶۳/۶	۳۵/۶	۳۱/۷	۸/۲	بی‌سواد	سطح تحصیلات
۸۰/۷	۷۵/۶	۶۸/۹	۳۹/۵	۳۶/۲	۶/۱	نهیضت و ابتدایی	
۸۵/۳	۶۷/۸	۷۵/۳	۳۳/۱	۴۶/۶	۴/۱	راهنمایی	
۸۲/۷	۶۱/۰	۶۴/۸	۲۲/۳	۱۵/۹	۱/۴	متوسطه و دیپلم	
۵۴/۸	۴۲/۲	۲۹/۰	۹/۷	۹/۹	۱/۳	دانشگاهی	
***	***	***	***	***	***	تفاوت آماری	
۷۵/۹	۳۰/۸	۵۴/۸	۱۰/۲	۲۱/۷	۱/۳	غیرشاغل	وضع فعالیت
۵۸/۰	۷۳/۱	۴۴/۹	۴۱/۶	۲۳/۶	۸/۸	شاغل	
***	***	***	***	***	***	تفاوت آماری	
۳۸/۳	۶۹/۸	۲۹/۳	۳۵/۵	۱۶/۴	۶/۹	پایین	طبقه شغلی
۵۶/۳	۷۲/۳	۴۲/۷	۳۹/۱	۲۳/۸	۷/۳	متوسط	
۵۹/۹	۶۲/۲	۵۰/۵	۳۹/۵	۲۹/۶	۱۴/۶	بالا	
***	***	***	***	***	ns	تفاوت آماری	

مأخذ: بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی جوانان در ایران، پژوهشکده آمار، ۱۳۹۲، ص ۹۷.

نکته: ns غیرمعنادار، *** معنادار در سطح ۰/۱ درصد ($P < ۰/۰۰۱$).



در حال حاضر نرخ بیکاری در ایران ۱۰/۹ گزارش شده که این میزان برای جوانان ۱۵-۲۹ ساله ۲۳/۴ است نکته‌ای که نمی‌توان نقش آن را در کاهش نرخ ازدواج در کشور به‌عنوان متغیری اساسی نادیده گرفت.

بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد کاهش نرخ ازدواج در کشور بیش از آنکه یک امر جمعیتی باشد تابعی از تحولات ساختاری، اجتماعی و فرهنگی است.

علاوه بر این در صورتی که قرار بود کاهش جمعیت جوان در کشور سبب کاهش ازدواج‌ها گردد باید عکس این قضیه نیز صادق بود. به‌عبارت دیگر طرفداران دیدگاه جمعیتی باید به این سؤال پاسخ دهند که چرا در سال‌هایی که جمعیت جوان به بیشترین میزان خود رسیده بود (در سال ۱۳۸۵، جمعیت جوان کشور رقمی معادل ۲۵ میلیون نفر است) کشور ایران با رشد چشمگیری در میزان ازدواج روبرو نبوده است به نحوی که از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۹۰ با جهش ناگهانی در فراوانی ازدواج روبرو نیستیم؟

در صورتی که قرار بود کاهش آمار ازدواج در کشور صرفاً یک پدیده جمعیتی باشد باید در سال‌هایی که نسبت جوانی به بالاترین میزان خود در مقایسه با سنوات گذشته خود رسیده بود با افزایش قابل توجه ازدواج روبرو می‌شدیم که نگاهی به جدول ۱ چنین امری را نشان نمی‌دهد.

بدین ترتیب اگرچه نمی‌توان در تحلیل کاهش ازدواج در کشور بی‌توجه به مسائل جمعیتی بود، اما به‌نظر می‌رسد سهم این عوامل در مقایسه با عامل اجتماعی و فرهنگی بسیار ناچیز باشد.

از دیگر عوامل جمعیتی که در توضیح وضعیت ازدواج در کشور و کاهش آن ذکر می‌گردد موضوع ناهماهنگی و تناسب جمعیت دختران و پسران در سن ازدواج در کشور است. امری که از آن تحت عنوان «مضيقه ازدواج» یاد می‌شود. «مضيقه ازدواج» عبارت است از عدم تعادل در تعداد مردان یا زنان در سن ازدواج (عدم تقارن در دسترسی به همسران بالقوه)^۱. اگرچه مضيقه ازدواج به دو گونه افزایش تعداد زنان در مقایسه با مردان و برعکس قابل بررسی است، اما آنچه در سالیان اخیر از سوی رسانه‌ها به‌صورت مدام تکرار شده، افزایش تعداد زنان مجرد در کشور در مقایسه با مردان است.^۲ این بازنمایی رسانه‌ای تلاش می‌کند کاهش ازدواج در کشور را به پدیده جمعیتی یعنی کمبود تعداد مردان در سن مناسب ازدواج در مقایسه با دختران مرتبط نماید.^۳

در جدول زیر تلاش شده این موضوع از طریق مقایسه تعداد مردان و زنان واقع در سن ازدواج و تفاضل این میزان در هر گروه سنی محاسبه گردد.

۱. وکیل احمدی و رضا همتی، بررسی وضعیت مضيقه ازدواج در ایران (براساس سرشماری سال ۱۳۸۵).

۲. <http://www.mehrnews.com/news/2286947/>

<http://kayhan.ir/fa/news/13313/>

۳. نوسانات باروری که به افزایش یا کاهش يك جنس در برخي از سال‌ها منجر می‌گردد و همچنین تفاوت در مرگ و میر یکی از دو جنس از عوامل جمعیتی موثر در تغییر نسبت جنسی و تفاوت در تعداد زنان و مردان در سن ازدواج است. عامل سوم که شاید بتوان آن را از دو عامل یاد شده بسیار مهمتر دانست عملکرد هنجارهای همسرگزینی مبتنی بر سن است که اختلاف‌ها و ناهمسانی‌های فاحشی را در مجموعه واجدین شرایط ازدواج در هر يك از دو جنس ایجاد می‌کند.

جدول ۵. مقایسه پسران و دختران ازدواج نکرده در گروه‌های

سنی ۱۵-۳۴ سال، در سال ۱۳۹۰

گروه سنی	تعداد مردان	تعداد زنان	تفاضل مردان هر گروه سنی به زنان همان گروه
۱۵-۱۹ ساله	۳,۲۶۸,۲۲۳	۲,۵۵۹,۲۶۳	۷۰۸,۹۶۰
۲۰-۲۴ ساله	۳,۲۵۵,۹۳۸	۱,۹۸۲,۹۵۴	۱,۲۷۲,۹۸۴
۲۵-۲۹ ساله	۱,۷۵۳,۶۰۷	۱,۱۳۰,۶۲۷	۶۲۲,۹۸۰
۳۰-۳۴ ساله	۵۵۸,۶۹۹	۵۳۳,۹۱۰	۲۴,۷۸۹

مأخذ: اطلاعات پایه براساس داده‌های مرکز آمار ایران.

جدول بالا به خوبی نشان می‌دهد براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، در تمامی گروه‌های سنی (۱۵-۳۴) در سن ازدواج، تعداد مردان ازدواج نکرده از زنان ازدواج نکرده بیشتر است بدین ترتیب این استدلال که با فزونی دختران در سن ازدواج و کاهش ازدواج به این دلیل روبرو هستیم، با داده‌های ثبتی تطابق ندارد. با وجود این با توجه به اینکه در نظام عرفی ازدواج در ایران، مردان تمایل دارند با زنانی کوچک‌تر از خود ازدواج نمایند و این میزان معمولاً یک فاصله سنی ۳-۵ ساله می‌باشد باید بررسی شود در صورتی که مردان با زنانی کوچک‌تر از خود ازدواج کنند وضعیت به چه شکلی خواهد بود. همان‌طور که در جدول ۶ قابل مشاهده است تفاضل مردان هر گروه سنی با زنان یک پنجه کوچک‌تر نشان از کمبود مردان در سن ازدواج و فزونی زنان به ویژه در در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۳۰-۳۴ ساله دارد. امری که می‌تواند در صورتی که مردان اصرار به ازدواج با زنان کوچک‌تر از خود داشته باشند (تمایلی فرهنگی) منجر به کاهش ازدواج در این دو گروه سنی شود.

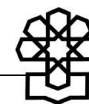
جدول ۶. مقایسه پسران ازدواج نکرده ۱۵-۳۴ ساله با دختران ازدواج نکرده

یک پنجه کوچک‌تر در سال ۱۳۹۰

گروه سنی	تعداد مردان	تعداد زنان	تفاضل مردان هر گروه سنی به زنان همان گروه	تفاضل مردان هر گروه سنی با زنان یک پنجه کوچک‌تر
۱۵-۱۹ ساله	۳,۲۶۸,۲۲۳	۲,۵۵۹,۲۶۳	۷۰۸,۹۶۰	—
۲۰-۲۴ ساله	۳,۲۵۵,۹۳۸	۱,۹۸۲,۹۵۴	۱,۲۷۲,۹۸۴	۶۹۶,۶۷۵
۲۵-۲۹ ساله	۱,۷۵۳,۶۰۷	۱,۱۳۰,۶۲۷	۶۲۲,۹۸۰	-۲۲۹,۳۴۷
۳۰-۳۴ ساله	۵۵۸,۶۹۹	۵۳۳,۹۱۰	۲۴,۷۸۹	-۵۷۱,۹۲۸

مأخذ: همان.

بدین ترتیب همان‌طور که ملاحظه می‌شود مسئله کمبود مردان در مقایسه زنان نیز پدیده جمعیتی نبوده و تنها در صورتی موضوعیت دارد که به لحاظ عرفی و هنجاری مردان اصرار به ازدواج با



زنانی کوچک‌تر از خود داشته باشند. بنابراین مزیقه ازدواج نیز موضوعی اجتماعی فرهنگی است نه مسئله جمعیتی.

با توجه به آنچه گفته شد از این‌رو می‌توان از مسئله ازدواج به‌عنوان یک برساخت اجتماعی^۱ نام برد که تحت تأثیر عملکرد ساختارهای نهادی (به‌ویژه ساختار اشتغال)، اجتماعی (فرآیند نوسازی، گسترش شهرنشینی، تغییر در نقش‌های اجتماعی) و فرهنگی (معیارهای و ارزش‌ها حاکم بر جامعه در خصوص شرایط ازدواج و سن مطلوب آن) و همچنین شرایط جمعیت شناختی (تعداد افراد جوان در کشور) قرار دارد. به‌عبارت دیگر باید از تأثیر تعاملی ساختار جمعیتی و متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در وضعیت ازدواج سخن گفت.

۲. تفاوت‌های جنسیتی و مسئله ازدواج در کشور

با توجه به اجتماعی بودن مسئله ازدواج در کشور یکی از مسائل مهم در ارائه تحلیل در این زمینه شناخت افشار و گروه‌های مختلف اجتماعی است که بیشتر از سایرین درگیر این موضوع هستند. اگرچه کاهش نرخ ازدواج در کشور یک مسئله عمومی است و همه افراد جامعه را درگیر ساخته است، اما برخی از شاخص‌های این حوزه همان‌طور که در رسانه‌ها نیز بازنمایی می‌شود نشان از قابل تأمل‌تر بودن مسئله ازدواج برای جامعه زنان دارد. با توجه به فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه ایرانی و هزینه اجتماعی بالایی که همچنان مجرد برای زنان دارد بررسی این موضوع حائز اهمیت است. در ادامه تلاش خواهد شد با سنجش نسبت مجرد در زنان و مردان و همچنین میانگین سن ازدواج در دختران و پسران به این مسئله پاسخ داده شود که تحولات اجتماعی- فرهنگی حاصله آیا یک موضوع فراجنسیتی است یا براساس تفاوت‌های جنسیتی از الگوی متفاوتی پیروی می‌کند.

۲-۱. نسبت مجرد در مردان و زنان

یکی از شاخص‌هایی که می‌توان تفاوت‌های جنسیتی را در آن دنبال کرد، شاخص مجرد قطعی است. مجرد قطعی یک مفهوم جمعیت شناختی است و منظور از آن، سنی است که در آن افراد ازدواج نکرده و امیدی هم به ازدواج نداشته باشند. به‌عبارت دیگر مجرد قطعی یعنی کسانی که امید به ازدواج ندارند و احتمال زوجیت در بین آنان کم است.^۲ به‌طور کلی مجردین بالای ۵۰ سال به‌عنوان افراد در سن مجرد قطعی محاسبه می‌گردند. هرچند این سن در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع یکسان نیست. بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد زنان و مردان واقع در سن مجرد قطعی با یکدیگر برابر نیست.

۱. رسول صادقی و علی‌محمد قدسی و جواد افشار کهن، واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی يك راه‌حل، پژوهش زنان، دوره ۵، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۰۶.

۲. ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ۱۳۸۱، ص ۲۴.

جدول ۷. فراوانی تجرد قطعی به تفکیک شهر و روستا

تعداد تجرد قطعی زنان (۵۰ سال و بیشتر) و مردان (۵۰ سال و بیشتر)				
سال	شهری		روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۶۵	۲۹,۲۶۴ نفر	۳۵,۱۲۵ نفر	۱۸,۸۰۵ نفر	۲۰,۱۱۱ نفر
	۱/۹	۱/۹	۱/۲	۱/۲
۱۳۷۵	۱۸,۵۷۸ نفر	۳۲,۱۲۳ نفر	۹,۲۶۴ نفر	۱۲,۳۷۵ نفر
	۰/۸	۱/۲	۰/۴	۰/۷
۱۳۸۵	۳۲,۰۰۲ نفر	۷۱,۱۴۳ نفر	۱۱,۴۰۱ نفر	۲۰,۲۹۰ نفر
	۰/۹	۱/۵	۰/۷	۰/۹
۱۳۹۰	۵۱,۲۰۱ نفر	۱۲۴,۳۹۱ نفر	۱۱,۲۶۱ نفر	۳۳,۸۱۷ نفر
	۱/۱	۲	۰/۶	۱/۴

مأخذ: سازمان ثبت احوال و مرکز ملی آمار ایران.

همان‌طور که از جدول فوق مشخص است درصد زنانی که در سال‌های مذکور در سن تجرد قطعی به سر می‌برند همواره بیشتر از مردان است تنها استثنا در این زمینه در سال ۱۳۶۵ رخ داده که در این سال این نسبت برای زنان و مردان با یکدیگر مساوی است. در سال ۱۳۹۰ تعداد زنان واقع در سن تجرد قطعی دو برابر مردان واقع در این سن است. این فزونی را می‌توان هم در شهر و هم در روستا پیگیری کرد.

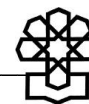
بدین ترتیب همان‌طور که ملاحظه می‌شود مسئله تجرد قطعی مسئله‌ای وابسته به جنسیت بوده و به علت شرایط عرفی و فرهنگی حاکم بر مناسبات ازدواج در ایران احتمال اینکه دختران پس از سنی خاص شانس کمتری در مقایسه با پسران برای ازدواج داشته باشند، بیشتر است. امری که سیاستگذاری ویژه در این حوزه را الزامی می‌کند.

علاوه بر شاخص تجرد قطعی که نسبت تجرد را در سنین بالای ۵۰ سال محاسبه می‌کند، تعداد افراد ازدواج نکرده واقع در سن ازدواج در بین زنان و مردان متفاوت است. اگرچه به غیر از محدودیت‌های قانونی برای برخی سنین ازدواج افراد در هر سنی امکانپذیر است، اما شرایط عرفی و هنجاری جوامع برخی از سنین را به‌عنوان سن متعارف معرفی می‌کند. به عبارت دیگر در هر جامعه‌ای به تناسب شرایط فرهنگی و هنجاری آن جامعه از افراد در سنین مشخصی انتظار ازدواج می‌رود.

با توجه به اینکه مطابق قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی، سن ازدواج شرعی و قانونی دختران ۱۳ سال تمام شمسی و برای پسران ۱۵ سال تمام شمسی است،^۲ افراد

۱. علت این امر چندان مشخص نیست.

۲. اگرچه با توجه به نص ماده (۱۰۴۱) امکان ازدواج دختر و پسر در کمتر از سنین یاد شده نیز امکانپذیر است منتها به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.



در سن ازدواج را می‌توان بازه سنی ۱۵-۳۴ سال تعریف کرد. همچنین مجردین در آستانه مجرد قطعی را می‌توان در بازه سنی ۳۴-۵۰ سال تعریف نمود. هرچند که با توجه به فقدان تعریف قطعی در این زمینه سایر تحقیقات ممکن است بازه سنی متفاوتی را برای این مسئله در نظر بگیرند.

جدول ۸. تعداد افراد در سن متعارف ازدواج (۱۵-۳۴ ساله) در سال ۱۳۹۰

گروه سنی				افراد در سن متعارف ازدواج
۳۰-۳۴	۲۵-۲۹	۲۰-۲۴	۱۵-۱۹	
۵۵۸,۶۹۹	۱,۷۵۳,۶۰۷	۳,۲۵۵,۹۳۸	۳,۲۶۸,۲۲۳	مردان ازدواج نکرده
۳,۵۱۵,۸۲۸	۴,۳۵۴,۶۳۴	۴,۲۰۱,۵۷۵	۳,۳۴۷,۴۳۶	تعداد کل مردان در هر گروه سنی
۱۵/۸۹	۴۰/۲۷	۷۷/۴۹	۹۷/۶۳	درصد مردان ازدواج نکرده از کل
۵۳۳,۹۱۰	۱,۱۳۰,۶۲۷	۱,۹۸۲,۹۵۴	۲,۵۵۹,۲۶۳	زنان ازدواج نکرده
۳,۴۵۶,۰۹۶	۴,۳۱۸,۰۲۰	۴,۲۱۲,۹۲۲	۳,۲۵۹,۶۰۷	تعداد کل زنان در هر گروه سنی
۱۵/۴۵	۲۶/۱۸	۴۷/۰۷	۷۸/۵۱	درصد زنان ازدواج نکرده از کل

مأخذ: همان.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تعداد مجردین واقع در سن ۱۵-۳۴، براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ۱۵ میلیون و ۴۳ هزار نفر هستند. این میزان برای مردان ۸ میلیون و ۸۳۶ هزار نفر و برای زنان ۶ میلیون و ۲۰۶ هزار نفر گزارش شده است.

ازسوی دیگر داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد نسبت مجرد به تناسب افزایش سن افراد، کاهش می‌یابد. به نحوی که اگرچه ۹۷ درصد مردان ۱۵-۱۹ مجرد هستند، اما این میزان برای گروه سنی ۲۰-۲۴ به ۷۷ درصد، برای گروه سنی ۲۵-۲۹ به ۴۰ درصد و برای گروه سنی ۳۰-۳۴ به ۱۵ درصد کاهش یافته است.

این میزان برای زنان در سن ۱۵-۱۹ سال ۷۸ درصد، سن ۲۰-۲۴ سال ۴۷ درصد، سن ۲۵-۲۹ سال ۲۶ درصد و سن ۳۰-۳۴ سال ۱۵ درصد است. بدین ترتیب که در بازه سنی ۱۵-۱۹ سال میزان مجرد بیش از سایر گروه‌های سنی است.

علاوه بر این بررسی درصد مجردین در هر بازه سنی نشان می‌دهد تعداد زنان مجرد در تمامی گروه سنی (۱۵-۳۴ سال) کمتر از مردان است. با این حال این درصد هرچه سن افراد بالاتر می‌رود به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شود. به نحوی که در بازه سنی ۳۰-۳۴ سال برای مردان و زنان تقریباً رقمی معادل ۱۵ درصد رسیده است. بدین ترتیب در بازه سنی ۱۵-۳۴ سال با وضعیت نگران‌کننده‌تری در حوزه زنان روبرو نیستیم. با این حال بررسی افراد در آستانه مجرد قطعی (۳۵-۴۹ سال) نشان از تغییر این وضعیت دارد.

این وضعیت در بازه سنی ۳۵-۴۹ سال حادث شده و به نفع مردان تغییر می‌یابد.

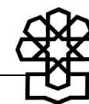
جدول ۹. تعداد مجردین زن و مرد در گروه سنی ۳۵-۳۹ سال (در آستانه تجرد قطعی) به تفکیک شهر و روستا (۱۳۹۰)

روستایی	شهری	کل	گروه سنی	جنس
۳۶،۴۷۰	۱۴۹،۱۹۰	۱۸۵،۷۹۵	۳۵-۳۹	مرد
۱۴،۴۶۳	۷۳،۵۹۴	۸۸،۰۹۶	۴۰-۴۴	
۶،۶۲۵	۳۸،۰۱۸	۴۴،۶۴۷	۴۵-۴۹	
۵۷،۵۵۸	۲۶۰،۸۰۲	۳۱۸،۵۵۸	جمع ۴۹-۳۵	
۳/۱	۴/۷	۴/۳	درصد	
۸۳،۱۶۱	۱۶۵،۳۲۳	۲۴۸،۷۰۹	۳۵-۳۹	زن
۳۸،۳۵۶	۹۳،۵۷۲	۱۳۲،۰۲۰	۴۰-۴۴	
۱۶،۰۸۷	۵۲،۵۰۶	۶۸،۶۲۱	۴۵-۴۹	
۱۳۷،۶۰۴	۳۱۱،۴۰۱	۴۴۹،۳۵۰	جمع ۴۹-۳۵	
۷/۵	۵/۸	۶/۲	درصد	

مأخذ: مرکز آمار ایران.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در مجموع ۳۱۸ هزار مرد و ۴۴۹ هزار زن ۳۵-۴۹ ساله در سال ۱۳۹۰ ازدواج نکرده و مجرد هستند. بدین ترتیب ۶ درصد زنان و ۴ درصد مردان در آستانه تجرد قطعی هستند. این میزان در شهرها ۵/۸ برای زنان و ۴/۷ برای مردان و در روستاها ۷/۵ برای زنان و ۳/۱ برای مردان است. نکته حائز اهمیت در خصوص جدول فوق تعداد بیشتر زنان در آستانه تجرد قطعی است. علاوه بر این تفاوت نرخ تجرد قطعی زنان و مردان روستایی نیز نکته قابل توجه دیگری است که از پایین بودن احتمال ازدواج زنان روستایی بالای ۳۵ سال حکایت دارد.

بدین ترتیب موضوع تجرد در جامعه زنان به علت شرایط فرهنگی حاکم بر کشور و تمایل مردان و همچنین خانواده پسران به جوان‌همسری (به غیر از بازه سنی ۱۵-۳۴ سال) با چالش بیشتری روبرو است. بر این اساس علیرغم تمامی تغییرات و تحولاتی که در جامعه ایرانی رخ داده همچنان شانس ازدواج زنان به سنین خاصی محدود بوده و مجرد ماندن پس از بازه سنی خاص با واکنش‌ها و برچسب‌های خاصی همراه است.



۲-۲. میانگین سن ازدواج

میانگین سن ازدواج^۱ نیز از دیگر شاخص‌هایی است که باید تأثیر جنسیت را بر آن سنجید. این داده از تقسیم مجموع سن افراد ازدواج کرده (زن یا مرد) در زمان مورد مطالعه بر تعداد افراد ازدواج کرده به دست می‌آید.^۲ این شاخص نشان می‌دهد که فراوانی واقعه ازدواج به تناسب جنس به کدام سن متمایل است.^۳

در حال حاضر سن ازدواج توسط عواملی نظیر افزایش سطح تحصیلات، بیکاری، شهرنشینی، تغییر ارزش‌های مربوط به تشکیل خانواده هسته‌ای، شکاف و چالش نسلی بین افراد در جامعه، افزایش یافته است. با وجود این به نظر می‌رسد افزایش میانگین سن دختران و پسران در جامعه از یک آهنگ شتاب پیروی نکرده است.

جدول ۱۰. میانگین سن در اولین ازدواج بر حسب جنس به تفکیک نقاط شهری و روستایی

نقاط روستایی		نقاط شهری		کل کشور		سال
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۲۴/۴	۱۷/۹	۲۵/۶	۱۹/۰	۲۵	۱۸/۴	آبان ماه ۱۳۴۵
۲۲/۷	۱۹/۱	۲۵/۱	۲۰/۲	۲۴/۱	۱۹/۷	آبان ماه ۱۳۵۵
۲۲/۶	۱۹/۶	۲۴/۲	۲۰	۲۳/۶	۱۹/۸	مهرماه ۱۳۶۵
۲۳/۵	۲۰/۸	۲۴/۹	۲۱	۲۴/۶	۲۰/۹	مهرماه ۱۳۷۰
۲۴/۵	۲۲/۳	۲۶/۲	۲۲/۵	۲۵/۶	۲۲/۴	آبان ماه ۱۳۷۵
۲۵/۵	۲۳/۴	۲۶/۵	۲۳/۳	۲۶/۲	۲۳/۲	آبان ماه ۱۳۸۵
۲۵/۸	۲۳	۲۷/۱	۲۳/۶	۲۶/۷	۲۳/۴	آبان ماه ۱۳۹۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، سازمان ثبت احوال کشور.

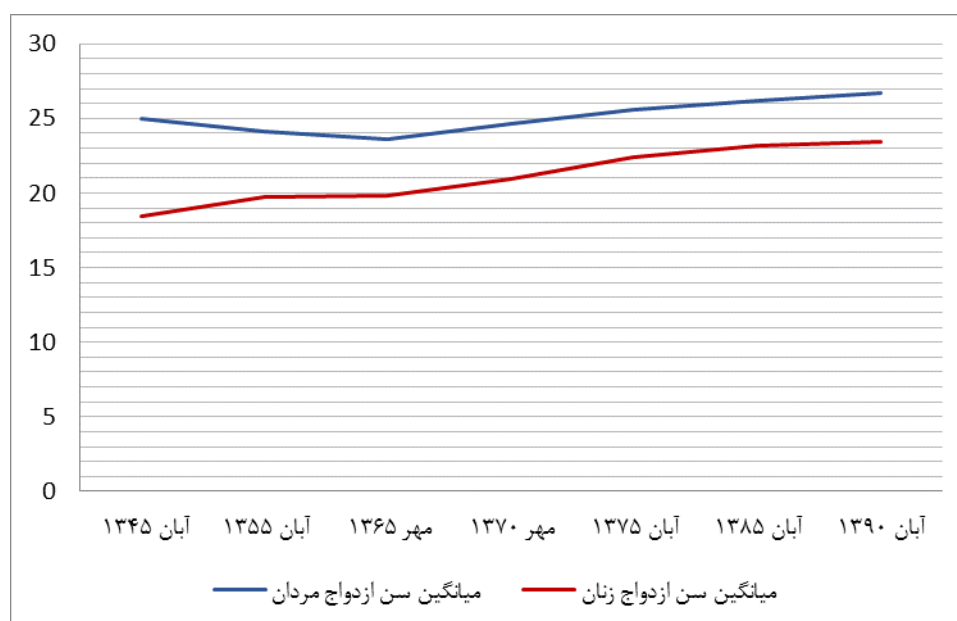
محاسبه سن ازدواج نشان می‌دهد که در سه دهه اخیر میانگین سن ازدواج برای هر دو جنس در حال افزایش است. اما این میزان برای زنان و مردان از یک روند یکسان تبعیت نکرده است. نگاهی به جدول فوق نشان می‌دهد، افزایش سن ازدواج در زنان چشمگیرتر از مردان بوده است همان‌طور که جدول ۱۰ نشان می‌دهد میانگین سن ازدواج مردان در سال ۱۳۴۵ حدود ۲۵ سال بوده است که این میزان در سال‌های انقلاب به واسطه ترویج ازدواج ساده و آسان و همچنین ترویج ساده‌زیستی در بین مردم کاهش یافته و به ۲۳ سال در سال ۱۳۶۵ رسیده، اما از سال ۱۳۷۰ شاهد

۱. مرکز ملی آمار ایران، این شاخص را با استفاده از روش هاینال به صورت غیرمستقیم و با کمک داده‌های موجود در سرشماری‌ها محاسبه و در سالنامه‌های آماری مربوط به سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن منتشر می‌کند.
 ۲. ویژه‌نامه تحلیلی ثبت آمار وقایع حیاتی در کشور با نگاهی به آمارهای بین‌المللی (به مناسبت سال جهانی آمار ۲۰۱۲)، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، مهرماه ۱۳۹۲.
 ۳. الهام فتحی، روند ازدواج در ایران با تأکید بر نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، نشریه آمار، ش ۶، خرداد و تیرماه ۱۳۹۳.

رشد سن ازدواج و افزایش آن به ۲۶ سال هستیم. با وجود این افزایش سن ازدواج در میان زنان به صورت چشمگیرتری قابل بررسی است. به نحوی که میانگین سن ازدواج دختران در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ۱۹ سال بود، اما هرچقدر پیش می‌آییم میانگین سنی زنان افزایش یافته و در ۱۳۹۰ به ۲۳ سال در کشور رسیده است. به عبارت دیگر طی کمتر از نیم قرن اخیر، میانگین سن ازدواج مردان، ۱/۷ سال افزایش یافته و در مقابل برای زنان ۵ سال افزایش داشته است.^۱ افزایش سن ازدواج زنان در نقاط شهری و روستایی نیز قابل رویت است.

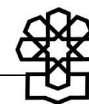
نکته قابل تأمل در جریان فوق، افزایش سن ازدواج زنان در روستاست. در سال ۱۳۴۵ میانگین سن ازدواج دختران در روستا، ۱۷ سال بوده که از میانگین کل کشور پایین‌تر است، اما در سال ۱۳۹۰ این میانگین با میانگین سن ازدواج در شهر و همچنین کل کشور تقریباً برابر شده است. بخشی از دلایل این مسئله به تغییر نگرش در روستا نسبت به سن مطلوب ازدواج و همچنین چالش‌هایی چون مهاجرت مردان به شهر و فقدان همسر مناسب در روستاها برای دختران است.

نمودار ۲. میانگین سن مردان و زنان در اولین ازدواج



بنابراین جامعه ایرانی از یک سو با ثبات نسبی میانگین سن ازدواج مردان و از سوی دیگر با افزایش سن ازدواج زنان روبرو شده است.

داده‌های فوق نشان می‌دهد وضعیت ازدواج در کشور به تناسب جنسیت با وضعیت متفاوتی روبرو است. بدین ترتیب وضعیت ازدواج در کشور متأثر از موضوع جنسیت بوده و براساس تفاوت‌های



جنسیتی از الگوی متفاوتی پیروی می‌کند. امری که توجه به این موضوع را در فرآیند سیاستگذاری ضروری می‌کند.

۳. تفاوت‌های منطقه‌ای و مسئله ازدواج در کشور

یکی از نکاتی که می‌توان از آن ماهیت فرهنگی - اجتماعی ازدواج استنتاج کرد، تفاوت نرخ ازدواج در استان‌های مختلف کشور است. با توجه به تأثیر نوسازی بر موضوع ازدواج و وجود استان‌های مختلف در کشور با ساختار جمعیتی متفاوت و تمایز آنها در مشخصه‌های نوسازی نظیر میزان شهرنشینی، میزان باسوادگی، میزان اشتغال و فعالیت اقتصادی زنان در وضعیت زناشویی و سنجه‌های ازدواج استان‌های کشور تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد.

بر این مبنا انتظار می‌رود استان‌هایی که از توسعه بیشتری برخوردارند به‌علت تغییرات فرهنگی - اجتماعی حاصله و همچنین گسترش مشکلات اقتصادی با کاهش بیشتری در ازدواج در مقایسه با سایر استان‌ها مواجه گردند. در جدول زیر فراوانی ازدواج در استان‌های مختلف کشور در سال ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۱۱. فراوانی ازدواج در کشور به تفکیک استان در سال ۱۳۹۲

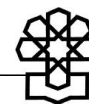
رتبه استانی براساس نرخ در هزار	نرخ در هزار	فراوانی ازدواج در سال ۱۳۹۲	استان
-	۱۰/۱	۷۷۴,۵۱۳	کل کشور
۱	۱۳/۶	۱۷,۳۹۱	اردبیل
۲۷	۸/۸	۴۳,۷۲۰	اصفهان
۱۳	۱۱/۵	۶,۵۵۸	ایلام
۹	۱۱/۸	۳۷,۲۵۵	آذربایجان غربی
۱۰	۱۱/۷	۴۴,۴۳۸	آذربایجان شرقی
۳۰	۷/۶	۱۸,۷۴۳	البرز
۲۲	۹/۷	۱۰,۳۱۵	بوشهر
۳۱	۷/۵	۹۲,۷۱۶	تهران
۵	۱۲/۳	۱۱,۳۷۶	چهارمحال بختیاری
۸	۱۲/۱	۸,۲۹۲	خراسان جنوبی
۱۲	۱۱/۶	۷۱,۷۰۵	خراسان رضوی
۲	۱۳/۲	۱۱,۸۱۶	خراسان شمالی
۱۶	۱۱/۱	۵۲,۱۲۸	خوزستان
۳	۱۳/۲	۱۳,۷۵۸	زنجان

رتبه استانی براساس نرخ در هزار	نرخ در هزار	فراوانی ازدواج در سال ۱۳۹۲	استان
۲۶	۸/۹	۵,۷۳۱	سمنان
۲۸	۸/۲	۲۱,۸۳۳	سیستان و بلوچستان
۲۰	۱۰	۴۷,۱۷۰	فارس
۱۷	۱۰/۷	۱۳,۱۸۸	قزوین
۲۵	۹	۱۰,۶۱۱	قم
۴	۱۳/۲	۲۰,۲۴۱	کردستان
۲۹	۷/۸	۲۳,۴۹۹	کرمان
۱۴	۱۱/۴	۲۲,۶۸۳	کرمانشاه
۱۵	۱۱/۴	۷,۷۴۱	کهگیلویه و بویراحمد
۱۱	۱۱/۷	۲۱,۴۰۳	گلستان
۱۸	۱۰/۲	۲۵,۶۰۰	گیلان
۶	۱۲/۳	۲۲,۲۱۱	لرستان
۲۱	۹/۸	۳۰,۶۴۸	مازندران
۱۹	۱۰/۱	۱۴,۵۱۳	مرکزی
۲۳	۹/۴	۱۵,۲۳۷	هرمزگان
۷	۱۲/۲	۲۱,۹۱۶	همدان
۲۴	۹/۱	۱۰,۰۷۷	یزد

مأخذ: خلاصه آمار ثبت وقایع حیاتی.

نگاهی به جدول ۱۱ و فراوانی ازدواج در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد استان‌های اردبیل، کردستان و خراسان شمالی دارای بیشترین نرخ ازدواج در هزار و استان‌های تهران، البرز و کرمان به ترتیب دارای کمترین نرخ ازدواج در هزار هستند. با وجود این نرخ ازدواج در کشور و در بسیاری از استان‌ها تقریباً رقمی معادل ۱۰ در هزار است یعنی در عمده استان‌ها از هر ۱۰۰۰ نفر به طور میانگین ۱۰ نفر ازدواج می‌کنند. نکته قابل تأمل آنکه در برخی از استان‌ها این میزان بسیار پایین‌تر از میانگین کل کشور است؛ استان‌های تهران (۷/۵)، البرز (۷/۶)، کرمان (۷/۸) از جمله این موارد هستند؛ در استان‌های تهران و البرز به علت مهاجرپذیری زیاد، بالا بودن هزینه‌های زندگی و فشار اقتصادی بیشتر و گستردگی تفاوت‌های فرهنگی این نرخ تقریباً طبیعی به نظر می‌رسد، اما در کرمان و سپس سیستان و بلوچستان این نرخ چندان طبیعی به نظر نمی‌رسد.

اگرچه تصور می‌شود استان‌هایی که بیشتر در معرض شاخص‌های نوسازی قرار گرفته‌اند به تبع با نرخ کمتری نیز در ازدواج روبرو گردند، اما جدول فوق تأییدکننده این نکته نیست. بررسی نرخ شهرنشینی، باسوادی، نرخ اشتغال به‌عنوان برخی از شاخص‌های توسعه و نوسازی در استان‌هایی که



کمترین فراوانی ازدواج را در سال ۱۳۹۲ داشته‌اند، نشان می‌دهد اگرچه استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان با توجه به این شاخص‌ها از سطح توسعه کمتری برخوردارند، اما آنها نیز با کاهش فراوانی و نرخ ازدواج روبرو گشته‌اند.

جدول ۱۲. بررسی برخی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی در استان‌های
با نرخ ازدواج کم در سال ۱۳۹۰

نرخ مشارکت اقتصادی زنان	نرخ باسوادی			میزان شهر نشینی	استان
	مردان	زنان	کل		
۱۳/۳	۸۸/۶	۹۲/۳	۹۰/۵	۹۲/۸	تهران
۱۰/۶	۸۸/۳	۹۲/۱	۹۰/۲	۹۰/۵	البرز
۱۰/۰	۷۹/۸	۸۴/۶	۸۲/۲	۵۷/۵	کرمان
۸/۷	۶۵/۶	۷۷/۷	۷۱/۶	۴۷	سیستان و بلوچستان

مأخذ: مرکز آمار ایران.

بدین ترتیب اگرچه انتظار می‌رفت استان‌ها توسعه‌یافته‌تر در کشور از نرخ ادواج کمتری برخوردار باشند به‌نظر می‌رسد کاهش نرخ ازدواج تنها منوط به استان‌های توسعه‌یافته‌تر از بُعد شهرنشینی، میزان باسوادی و... نبوده و سایر استان‌ها را نیز درگیر کرده است. توجه به استان‌هایی که با کمترین نرخ ازدواج نیز روبرو هستند و دلایل این کاهش از نکات مهم در سیاستگذاری در حوزه ازدواج است.

جمع‌بندی

بررسی وضعیت ازدواج در کشور نشان می‌دهد اگرچه کاهش نرخ ازدواج در کشور تابعی از مسائل جمعیتی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی است، اما سوبه جمعیتی این مسئله بسیار کم‌رنگ‌تر از سایر عوامل است. تأثیر فرآیند نوسازی، تحولات تکنولوژیکی، تغییرات فرهنگی و بحران‌های اقتصادی بر تحولات عینی حوزه ازدواج از جمله کاهش فراوانی ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش میزان مجرد و... غیرقابل انکار است. با توجه به نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در این مسئله و تأثیرپذیری بیشتر برخی از گروه‌های اجتماعی از این تحولات در مقایسه با دیگران، گزارش حاضر تلاش کرد به بررسی برخی از این حوزه‌ها از جمله نقش تفاوت‌های جنسیتی و همچنین تفاوت‌های منطقه‌ای در وضعیت ازدواج در کشور از بعد آماری و ضرورت نگاه سیاستگذار به این تفاوت‌ها بپردازد.

بررسی داده‌های ثبتی نشان داد ازدواج به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی با جنسیت مرتبط است به نحوی که وضعیت مجرد در جامعه زنان (به‌ویژه پس از سن ۳۵ سالگی) با نگرانی‌های بیشتری همراه

است. علاوه بر این میانگین سن ازدواج در کشور در جامعه زنان با رشد بیشتری طی این سال‌ها همراه بوده و با ثبات نسبی میانگین سن ازدواج مردان از یک سو و با افزایش سن ازدواج زنان از سوی دیگر روبرو هستیم که نشان از تحولات نگرشی عمیق در جامعه زنان ایرانی دارد.

مقایسه آمار ازدواج بین شهرها و روستاهای کشور نشان داد وضعیت روستاهای کشور در موضوع ازدواج نگران‌کننده‌تر از شهرهاست. گسترش مهاجرت از روستاها به شهرها در بین جوانان برخی از دلایل این چالش است.

استان‌های کشور نیز به لحاظ وضعیت ازدواج از نرخ یکسانی برخوردار نبوده در برخی از استان‌ها چون البرز، تهران، کرمان و سیستان و بلوچستان با کاهش چشمگیرتر ازدواج روبرو هستیم.

داده‌های فوق نشان می‌دهد سیاستگذاری در حوزه ازدواج نیازمند توجه به عوامل یاد شده و برنامه‌ریزی به تناسب تفاوت‌های اجتماعی موجود است. بدین معنا که نمی‌توان برای تمامی کشور و اقشار اجتماعی از الگوی یکسانی در سیاستگذاری در حوزه ازدواج تبعیت نمود.

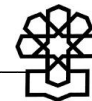
توجه به اولویت‌بندی نقاط بحرانی و همچنین عوامل تأثیرگذار بر کاهش ازدواج جوانان بخشی از اقداماتی است که باید انجام شود. این در حالی است که نگاهی به روند سیاستگذاری در حوزه ازدواج در کشور نشان می‌دهد چنین رویکردی در حوزه ازدواج حاکم نبوده است.

در جدول زیر برخی از اقدامات حاکمیت طی دهه‌های اخیر (که هنوز نیز پابرجاست) در حوزه ازدواج به صورت اجمالی آورده شده است.

جدول ۱۳. مجموعه اقدامات صورت گرفته در راستای ترویج ازدواج

اقدامات حاکمیت
تصویب قانون تسهیل ازدواج جوانان
اعطای وام ۳ میلیونی ازدواج به هریک از زوجین
اعطای تسهیلات خرید مسکن یکم با اولویت متأهلین (وام ۸۰ میلیونی)
ترویج ازدواج دانشجویی
خدمات مشاوره‌ای ازدواج
راه‌اندازی سایت همسان‌گزینی تبیان
کاهش ۳ ماهه مدت زمان سربازی
تصویب قانون حمایت از خانواده

نگاهی به مفاد هریک از سیاست‌های یاد شده نشان می‌دهد این سیاست‌ها عمدتاً کلی بوده و بدون توجه به نقاط بحران‌زا تنظیم شده است. برای مثال مروری بر قانون تسهیل ازدواج جوانان که در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده نشان می‌دهد در این قانون مجموعه



اقدامات کلی از قبیل مسکن موقت، کمک هزینه زندگی تا مدت دو سال، کمک هزینه تحصیلی برای دانشجویان متأهل، وام ودیعه مسکن و... در نظر گرفته شده، اما گروه‌های هدف به تناسب وضعیت ترسیم شده در اولویت قرار نگرفته‌اند. به عبارت دیگر اقدامات تسهیلگر حوزه ازدواج بی‌توجه به اولویت روستاها، برخی استان‌های کشور و همچنین زنان به صورت کلی و برای مخاطب عام تنظیم شده‌اند. وام ازدواج جوانان نیز که در حال حاضر مهمترین اقدام اجرایی دولت در راستای حمایت از زوجین جوان محسوب می‌گردد (بدون قضاوت درخصوص تأثیرگذار بودن این اقدام یا خیر) به صورت کلی بین همه زوجین جوان توزیع می‌شود. این در حالی است که اگر این وام را به عنوان کمک هزینه ازدواج در نظر بگیریم هزینه زندگی در شهرهای بزرگ قابل قیاس با شهرهای کوچک نیست. بدین ترتیب این وام در شهری چون تهران شاید هیچ به حساب آید، اما در شهرهای کوچک بتواند بخشی از هزینه‌های ازدواج را پوشش دهد.

علاوه بر این بسیاری از اقدامات صورت گرفته به علت بی‌توجهی به دلایل واقعی کاهش نرخ ازدواج در کشور تنها به عنوان اقداماتی موقتی و گذرا مطرح هستند که توانایی حل مشکلات پیش روی ازدواج جوانان را دارا نیستند.

همان‌طور که ذکر شد بین تحصیلات و اشتغال به کار و ازدواج همبستگی و رابطه معنادار وجود دارد. بدین معنی که با افزایش سطوح تحصیلی هم در دختران و هم در پسران نسبت‌های ازدواجی کاهش می‌یابد. علاوه بر این وضعیت اشتغال مردان نیز رابطه نزدیکی با ازدواج دارد. بررسی رابطه اشتغال و ازدواج نشان می‌دهد مردان شاغل در مقایسه با افراد غیرشاغل (محصل و بیکار) از نسبت‌های ازدواجی بالاتری برخوردارند. با وجود این رابطه همبستگی بین اشتغال و ازدواج در جامعه زنان نشان می‌دهد، این نسبت برای زنان معکوس بوده و نسبت ازدواج زنان غیرشاغل در هر سه گروه سنی بیشتر از زنان شاغل است.

توجه به این نکات و لزوم فراهم نمودن فضای اشتغال برای مردان و همچنین اجرای مشوق‌هایی برای دختران و پسران دانشجو برای ازدواج در این زمینه باید مورد توجه سیاستگذار باشد.

منابع و مآخذ

۱. قانع‌راد، محمدمبین و فاطمه، عزلتی‌مقدم. بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاستگذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، ش ۱.
۲. حبیب پوگتایی، کرم و غلامرضا، غفاری. علل افزایش سن ازدواج دختران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۱، بهار ۱۳۹۰.
۳. مهاجرانی، علی‌اصغر. تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، ش ۱۱.
۴. مرکز آمار ایران.
۵. مسائل ثبت احوال کل کشور.
۶. طبیبی‌نیا، موسی. میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن، فصلنامه مطالعات جمعیتی شناختی جوانان، سال پنجم، ش ۱۶، زمستان ۱۳۹۳.
۷. گزارش «بررسی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده»، مرکز امکان‌سنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، مردادماه ۱۳۹۲.
۸. احمدی، وکیل و رضا، همتی و جواد، افشارکهن. واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل، پژوهش زنان، دوره ۵، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
۹. ساروخانی، باقر. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ۱۳۸۱.
۱۰. ویژه‌نامه تحلیلی ثبت آمار وقایع حیاتی در کشور با نگاهی به آمارهای بین‌المللی (به مناسبت سال جهانی آمار ۲۰۱۳)، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، مهرماه ۱۳۹۲.
۱۱. عباسی شوازی، محمدجلال. بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی جوانان در ایران، پژوهشکده آمار، ۱۳۹۲.
۱۲. فتحی، الهام. روند ازدواج در ایران با تأکید بر نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، نشریه آمار، ش ۶، خرداد و تیرماه ۱۳۹۳.

13. <http://fararu.com>

14. <http://mehrkhane.com>

15. <http://www.Mehrnews.com>

16. <http://kayhan.ir>



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۱۵۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: نگاهی به بایسته‌های آماری در سیاستگذاری در حوزه ازدواج

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه زنان و خانواده)
تهیه و تدوین کنندگان: آسیه ارحامی، سمانه مرتجی
ناظران علمی: سینا کلهر، ایروان مسعودی اصل
متقاضی: معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی
ویراستار تخصصی: _____
ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. ازدواج
۲. مسئله اجتماعی
۳. جنسیت

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۹/۲